

عنوان مقاله:

مفهوم آزادی در نظریه سیاسی جان استوارت میل و هانا آرنست

محل انتشار:

اولین کنفرانس بین المللی حقوق بین الملل، حقوق، علوم سیاسی و علوم انسانی (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسنده:

خشیایار بوریوری - دانش آموخته دکتری تخصصی علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران

خلاصه مقاله:

در مقاله حاضر به بررسی تطبیقی آرا و نظرات جان استوارت میل و هانا آرنست درباره مفهوم آزادی بطور زیربنایی خواهیم پرداخت. تغییر جامعه از اشرافی گری به شکل های فزاینده دموکراتیک سازمانی فرصت هایی را به ارمغان آورده اما خطراتی را نیز در بر دارد. این به معنای حاکمیت توسط یک توده اجتماعی بود که از حاکمیت ادوار گذشته قدرتمندتر و یکنواخت و همه جا برخورددار بود. میل معتقد بود که تسلط اکثریت، تهدیدهای جدیدی را برای استبداد بر روی فرد دارد. آزادی در معرض خطر بسیاری از افراد تازه قدرت یافته از یک سلطنت مطلق نبود. مکانیسم های غیر رسمی فشار اجتماعی و انتظارات می توانند در جوامع دموکراتیک توده ای همه کنترل کننده باشد. میل نگران بود که استفاده از چنین قدرت هایی منجر به خفقان سازگاری در اندیشه، شخصیت و عمل شود. معنای سیاست آزادی است. این تعریف معروف و در عین حال تا حدودی مبهم از آزادی در مقدمه کتاب سیاست هانا آرنست مطرح شده است. آرنست از آزادی به عنوان پدیده ای از فضیلت صحبت می کند و ادعا می کند که این پدیده نخستین تجربه آزادی در یونان باستان و روم است. هدف از پژوهش حاضر چرایی اهمیت مفهوم آزادی و تلاش برای نشان دادن و اثبات جایگاه و منزلت علمی و کاربردی و پراگماتیک مفهوم آزادی نزد هر دو فیلسوف است.

کلمات کلیدی:

میل، آرنست، آزادی، آزادی های مدنی، گفتمان سیاسی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1359098>

